

اتحاد برای ایجاد یک تشکل سراسری یا برای تثبیت یک تشکل

نقدی بر پروژه "ایجاد تشکل سراسری کارگری"

اخیرا اعضای "کانون مدافعان حقوق کارگر" با همراهی جمعی از فعالین کارگری سه نشست مشترک برقرار نموده اند که حاصل آنها سه بیانیه بوده است. طبق بیانیه های صادر شده، هدف این نشست ها "ایجاد یک تشکل سراسری کارگری" است. ما جمعی از فعالین کارگری و اعضاء "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در این نوشته بنظر خود در رابطه با ایجاد تشکل سراسری کارگران اشاره نموده و موضع خود را در رابطه با این نشست ها و اهداف آن بیان میکنیم.

در آغاز تاکید میکنیم که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، برای تحکیم اتحاد فعالین کارگری همیشه پیشقدم بوده است. این کمیته تلاش برای ایجاد همبستگی در میان فعالین کارگری و تشکل های فعالین کارگری را وظیفه هر عضو خود دانسته و در این راستا اشاعه همیاری و ایجاد اتحاد عمل های لازم را جزئی از اولویت های خود میداند. با اتکا به همین اصل و بر همین اساس ما منتقد همه کسانی هستیم که به هر شکل مانع حفظ این اتحاد و همبستگی کارگری میشوند.

نقد ما به کسانی که این اصل را خدشه دار میکنند بطور مشخص متوجه کانون مدافعان حقوق کارگر به ریاست آقای علیرضا ثقفی و نیز همراهانشان میگردد که برخلاف ادعایشان مبنی بر ایجاد وحدت در صفوف فعالان کارگری با اقدامات خود این همبستگی را زیر ضرب گرفته اند.

ما اقدام کانون مدافعان و همراهانشان در خارج از این کانون را برای ایجاد باصطلاح "تشکل سراسری" در جهت مخالف "اتحاد سراسری کارگری" مورد ادعایشان و در خدمت هدفی دیگر، هدفی انحلال گرایانه ارزیابی میکنیم. این ارزیابی ما از پروژه آقای ثقفی بر اساس معیار های زیر بنا شده است:

تضاد این پروژه و اقدامات ایشان با پیش شرط های ایجاد یک تشکل واقعی سراسری ، روش های بکار گرفته شده در نشست های سه گانه اخیر ، سابقه عملی آقای ثقفی رئیس کانون مدافعان در نحوه مداخله در مقاطع حساس و تعیین کننده از جریان تشکل سازی یا اتحاد عمل ها در جنبش کارگری ، و بالاخره تضاد آشکار میان ادعاهای دیروز و اقدامات فرصت طلبانه امروز برخی از شرکای آقای ثقفی در این پروژه باصطلاح "تشکل سراسری" .

این ارزیابی خود بخود به پرده برداری از اهداف پروژه "تشکل سراسری" آقای ثقفی و دوستانشان منجر میشود . میباید بشکل مشخص به اهداف جمعی که حول ایجاد این "تشکل سراسری" گرد آمده است پرداخت تا این اهداف پشت ابرها پنهان نماند ، میباید به روشنی بر نتایج مادی این پروژه تاکید کرد.

- ماهمه میدانیم که شرایط و امکانات تشکیل یک سازمان سراسری تنها به اراده و خواست ما بستگی ندارد . "تئوری" بافی های کلی و انتزاعی هم ما را به هیچ چیز رهنمون نمیشود . تئوری بدون اتکا به پراتیک اجتماعی چیزی جز حرافی نیست . بنظر ما آقای ثقفی و شرکای ایشان قصد و منظور مشخصی از این تئوری بافی ها دارند ، و وظیفه هر فعال مسئول و دلسوز جنبش کارگری است که با دقت و توجه به آنها پردازد .

براستی اگر این "تشکل سراسری" به گفته بیانیه موسسین آن قرار است بهمین شکل کلی "برای دفاع از کارگران اقدام نماید" ، و از آن جا که تشکل مورد نظر با توجه به جایگاه بنیانگذارانش تنها میتواند یک تشکل حمایت کننده از جنبش کارگری باشد و نه تشکل محیط کار ، همین "کانون مدافعان" را که داریم ! مگر "کانون مدافعان" مدعی "دفاع از کارگران" نیست ؟ دیگر چه لزومی دارد که اسم کانون مدافعان حقوق کارگر به "تشکل سراسری" تغییر یابد !؟

تشکل سراسری واقعی کارگری تنها میتواند از دل مبارزات متحدانه توده ئی کارگری در عمل شکل گیرد . همیشه و در همه جا تشکیلات کارگری سراسری در میان مبارزات جاری کارگران و تشکل های تنیده در این مبارزات ایجاد شده است ، و امروز در ایران هم جز بدین طریق بوجود

نخواهد آمد. در هیچ کجاده نفر فعال و غیر فعال کارگری در چند نشست در بسته برای میلیونها کارگر تشکل سراسری درست نکرده اند و امروز در ایران هم افتخار چنین کاری نصیب آقای ثقفی و هم پیمانانش نخواهد شد.

ایجاد تشکل کارگری سراسری واقعی هدف عالی همه فعالین صادق جنبش کارگری است، و هر تشکل و نهاد کارگری به سهم خود باید برای تحقق ملزومات آن بکوشد. بعنوان مثال آقای شاهرخ زمانی از زندان خطاب به تشکل های موجود برای ایجاد یک تشکل سراسری فراخوان داده است و همچنین طرح های دیگری توسط دیگر فعالین دلسوز کارگری بمیان آمده است. اما تفاوت است میان شاهرخ زمانی که همه فعالین و تشکل های موجود و دخیل در جنبش کارگری را مخاطب خود میداند یا طرح های صادقانه ای که مورد اشاره قرار گرفتند، با اقدامات اعضای کانون مدافعان و دیگر متحدینشان که در پشت نقاب "تشکل سراسری" اهداف دیگری را تعقیب میکنند.

- مسئله فقط این نیست که "تشکل سراسری" ادعائی آقای ثقفی و شرکا به پیش شرط های ایجاد تشکل سراسری بی اعتناست و هیچ مانعی بر سر راه ایجاد تشکل سراسری واقعی را از میان بر نمیدارد. در صورتی که مسئله تنها به همین جنبه محدود بود، این پروژه فقط یک عنوان توخالی و صوری یا ادعائی قلابی باقی میماند که پرداختن به آن لازم نمیبود. مسئله این جاست که این پروژه در پشت عنوان "تشکل سراسری" که هدف والا و دیرین همه فعالین جنبش کارگری است هدف غیر والا و دیگری را تعقیب میکند که در ادامه بیشتر روی آن خم میشویم.

در این راستا مستقل از بحث های اثباتی و تحلیل بر سر امکان یا عدم امکان بوجود آمدن یک تشکل سراسری در شرایط کنونی باید به نحوه و روش ایجاد این اتحاد سراسری مورد ادعای سه نشست پرداخت.

حرکت آقای ثقفی و شرکا در رابطه با ایجاد یک اتحاد سراسری از بنیان مغرضانه است. ایشان و دوستانشان میخواهند با دور زدن جناح چپ جنبش کارگری و از بالای سر آنها، تشکل سراسری بزنند! یک چنین تشکلی که

از بالا می‌خواهد برای بقیه فعالین کارگری تعیین تکلیف کند ، چه جایگاهی در جنبش کارگری دارد؟! بنظر ما اتحاد سراسری فعالین کارگری با کلی گویی و صحبت های فریبنده در مورد اتحاد و دعوت یک عده از بالا ایجاد نشده و نخواهد شد. مسائل مشخصی مانع اتحاد فعالین کارگری هستند که این جمع آقای ثقفی و شرکا قبل از اینکه در پی ایجاد تشکلی دیگر باشند، میبایست در مقابل آنها پاسخگو باشند. این روش بمعنی حذف بخش بزرگی از تشکل های کارگری موجود و فعالین چپ جنبش کارگری در ایران است ، و بهمین دلیل هم وحدت ستیز است .

پروژه "تشکل سراسری" آقای ثقفی و شرکایشان علیرغم تاکید بر لزوم ایجاد وحدت در میان فعالین و تشکل های کارگری در جهت عکس آن حرکت میکند و از همان قدم اول بشکل حذف اکثریت فعالین جنبش کارگری در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ، سندیکای هفت تپه ، سندیکای شرکت واحد و کمیته پیگیری..... عمل میکند .

این را هم نباید فراموش کرد که نحوه برخورد با منتقدین هم خود تا اندازه ای نشان دهنده غرض ورزی های موجود در پروژه آقای ثقفی و یارانش میباشد که جوابشان به این انتقادات را با انتساب منتقدین به نیروهای "سکتاریست و خارج از کشوری" میدهند .

به نظر ما قصد واقعی " ایجاد تشکل سراسری کارگری " را میتوان در همه برخوردها و عملکرد این جمع و در کلیه موضعگیری هایشان مشاهده کرد . مثالی از آن در اطلاعیه ۲۲ کمیته دفاع از کارگران زندانی مهاباد که سخنگویش عضو تشکل کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری است دیده میشود : اسامی زندانیان آزاد شده نوشته میشود اما عضویت آنها در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری سانسور میگردد . کارگرانی که بخاطر فعالیت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به زندان رفته اند از هویت جمعی و تشکیلاتی خود خالی میشوند . برآستی اگر این کارگران آزاد شده از اعضای نشست " ایجاد تشکل سراسری کارگری" بودند و بدلیل عضویت در این جمع زندانی شده بودند آیا باز هم دلیل زندانی بودن این کارگران حذف میشد؟!

از طرف دیگر این هم از بدیهیات است که هر کس ایده ایجاد تشکل سراسری در سر دارد اولین قدم اصولی اش این است که مسئله را در تشکلی که خود در آن عضویت دارد طرح کرده و به بحث بگذارد. ما که از اعضای فعال کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری هستیم قبل از بیانیه اول از وجود اتحاد میان کانون مدافعان و دیگر شرکت کنندگان در نشست (از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری) بی اطلاع بودیم. اگر قصد واقعی شرکت کنندگان در پروژه "تشکل سراسری" آن چیزی بود که ادعایش را میکنند، مسئله می بایست ابتدا در تشکل خود طرح شود و بعد به دیگر تشکل های کارگری، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، رجوع شده و با آنها مذاکره گردد. هیچیک از این تشکل ها برای نمونه هم که شده، در این جریان حضور نداشته و حتی از آن آگاه نبوده اند!

- پیشنهاد آقای ثقفی در نحوه برخورد با دیگر فعالین و فرقه گرائی ایشان در اتحاد عمل های کارگری بر ما پوشیده نیست، همچنانکه خصومت ویژه ایشان با کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری هم بر ما بشکل ویژه ای آشکار است. برای نمونه ایشان مدتها پیش در همان زمان که ما به اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه کمک رسانی مینمودیم، طی تماس هائی با اعضای سندیکای هفت تپه از آنها خواسته بودند که هیچ کمکی از "اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" دریافت نکنند. بهانه باطلشان هم این بود که ما با گروه های سیاسی ارتباط داریم. و این در حالی بود که ایشان کمک گیری از آقای مهدی کوهستانی - که دیگر همگان با ایشان و تعلقاتشان به سولیداریتی سنتر آشنائی دارند - را جایز و لازم تشخیص میدادند و به اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه توصیه میکردند که به پولهای آقای کوهستانی لیبک بگویند.

البته بسیاری از فعالین جنبش کارگری در ایران همچون ما میدانند که این مسئله به سندیکای نیشکر هفت تپه خلاصه نشده است. این قضیه در مورد سندیکای شرکت واحد هم پیش آمد. آقای ثقفی به سندیکای شرکت واحد هم به همین ترتیب هشدار میداد و فشار میآورد که از ما کمکی نپذیرند. بهانه واهی هم همان بود که در مورد نیشکر هفت تپه عنوان شده بود، و توصیه نیز همان. امروز هم نه تنها از

این حرارت دیرین آقای ثقفی علیه کمیته هماهنگی برای کمک چیزی کم نشده است بلکه این تب به درجات بالاتری صعود کرده است .

این درست است که وضعیت امروز کانون مدافعان بمراتب وخیم تر از سابق شده و چنان است که احتیاج به توضیح زیادی ندارد . این درست است که بعد از استعفاهای متعدد اعضایشان ، این کانون که جمع شان به چند نفر تقلیل یافته ، برای احیاء خود نیاز به نیروی تازه دارند ، و چه بهتر که این نیرو از درون خود جنبش کارگری بوده و در سطح بین المللی هم شناخته شده باشد . اما این هم همه ماجرا نیست . آقای ثقفی و شرکا با این اتحاد نه فقط میخواهند یارگیری کنند و با جذب چهره شناخته شده ای در مجامع کارگری در کشورهای غربی بخود اعتبار دهد ، بلکه به یک هدف دیرینه اش در ایجاد شکاف در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ، و از این مجرا به تضعیف طیفی از چپ جنبش کارگری نزدیکتر میشود .

بیگمان ضربه زدن به تشکلی موجود در میان چپ جنبش کارگری یک خاصیت دیگر هم دارد . با هر ضربه ای بر این طیف میتوان راه را برای ورود نیروهای دیگر - نه فقط نیروهای راست در این جنبش بلکه حتی نیروهای ضد کارگری - به جنبش کارگری هموار کرد . کوهستانی ها و سولیداریتی ها و هر رقم از ما بهترانی در انتظار نشسته اند .

- از طرف دیگر باید اضافه کرد که مبارزه مستمر با فرصت طلبی هائی که مانع پیشروی جنبش کارگری است جزئی از مبارزه خودآگاه کارگری در جهت ایجاد تشکل سراسری واقعی است .

بیاد میاوریم که چندی پیش اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری مورد این شایعه و حمله قرار گرفتند که کارفرمایان کوچکی هستند و جایی در جنبش و تشکل های کارگری ندارند . دو سه سال بعد همان دوستانی که این اتمام حجت را کردند با سرمایه دار و کارفرمائی به بزرگی آقای ثقفی پیمان اتحاد میبندند ، و بجای تلاش برای حل مسائل خود با تشکلی که فعال آن هستند ، با یک فرار به جلو آن را دور میزنند . شاید ابتلا به خود محوری و قدرت طلبی و

فرد گرایی این ظرفیت را به هر شخصی بدهد که در جهت تضعیف تشکلی که تا کنون بنام فعال آن شناخته شده ، با هر نیرو و نهادی همراه و هم پیمان شود .

ما بعنوان بخشی از فعالین کارگری در ایران ، اینرا وظیفه هر نیروی آگاه به منافع طبقاتی کارگری میدانیم که با بحث و تحلیل واقعی از شرایط موجود و تنها با اتکا به حقیقت جوئی جنبش کارگری ایران را برای دستیابی به وحدت مورد نیاز یاری دهد . تنها چنین تلاش هائی تضمین میکند که هیچ فعالی بخاطر مشکلات شخصی خود، یا بخاطر قدرت طلبی بدام حرکات انحرافی نیفتاده و با خلوص نیت به بررسی و حل اختلافات واقعی در میان همزمانش بپردازد .

با وجود اینکه چپهای جنبش کارگری از هر طرف زیر فشارهای متعدد میباشند ، ما به قدرت خود باور و اعتماد داریم و مطمئنیم که این برخوردها ما را هر چه بیشتر آبدیده خواهد کرد . ما همه نیروهای آگاه و دلسوز را دعوت میکنیم که در این مبارزه در کنار تلاش های راستین برای کمک عملی به مبارزات توده ئی کارگران ، ایجاد و تقویت تشکل های وحدت گرایانه کارگران ، و بدینوسیله در جهت فراهم نمودن شرایط لازم برای تحقق تشکل سراسری واقعی قرار گیرند.

۱-رحمان ابراهیم زاده ۲-فتاح سلیمانی ۳-عباس هاشم پور ۴-عمر مینایی ۵-فایق صابری ۶-اسماعیل نیازی ۷-شمس اله محمدپور ۸-رحمان کاردار ۹-محمدعبدی پور ۱۰-حسین مرادی ۱۱-جمیل راست خدیو ۱۲-محمدرضازاده ۱۳-کریم فاطمی ۱۴-عباس فرج زاده ۱۵-جهانگیر محمودویسی

۶ آذر ۹۳

۱-

<http://www.kanoonm.com/1240>

<http://www.kanoonm.com/1515>

<http://www.kanoonm.com/1337>

۲-

اطلاعیه شماره ۲۲ کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد
تبریک به مناسبت آزادی یدالله صمدی و سید خالد حسینی

کارگران ، تشکل‌های کارگری ، انجمن‌های شریف و آزاده همانگونه که در اطلاعیه شماره ۲۱ کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد اشاره کرده بودیم در روز دهم آبان ماه (اول نوامبر) روز جهانی حمایت از کوبانی یدالله صمدی فعال کارگری به همراه چند تن دیگر در شهر سنندج بازداشت و به زندان سنندج منتقل شدند.

امروز پنج‌شنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۶ یدالله صمدی به همراه سید خالد حسینی با قید وثیقه آزاد شدند ، وثیقه تعیین شده برای یدالله صمدی عضو هیئت اجرایی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد و دبیر انجمن صنفی کارگران خبازی‌های سنندج و حومه مبلغ ۲۰ میلیون تومان بود که امروز با گذاشتن سند آزاد گردید.

ما اعضای کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد ضمن تبریک به خانواده یدالله صمدی و سید خالد حسینی و همینطور کارگران خباز سنندج و حومه خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی هستیم .

کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد

شماره تماس با سخنگوی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهاباد، کوروش بخشنده:

۰۹۳۷۹۹۶۰۷۴۷

komitedefaa@gmail.com

[/http://komitedemahabad.blogfa.com](http://komitedemahabad.blogfa.com)

بیست و دوم آبان ۱۳۹۳